



A study of conceptual schemas of Quranic proverbs centered on "death" and "decay" based on Johnson's model

Fatemeh Zarei*¹, Fereshteh Jamshidi²

¹ PhD student of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

² PhD student of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
03/04/2025

Accepted:
12/07/2025

One of the new approaches that examines metaphor from fresh perspectives is the cognitive linguistics school. This school considers any understanding and expression of abstract concepts in the form of more tangible concepts as metaphorical usage. Therefore, the influence of the interactive relationships between the human body and the environment plays a significant role in conveying mental and abstract concepts to the audience. Consequently, steps have been taken towards embodying and humanizing words, which are themselves influenced by the bidirectional relationship of the body with the surrounding world, leading to what can be referred to as conceptual schemas. The following essay aims to analyze and explore "Quranic proverbs centered on 'death and decay'" based on a descriptive-analytical method and by presenting various conceptual schemas in three domains: volumetric, kinetic, and powerful, relying on Johnson's cognitive semantics theory. For this purpose, in 9 noble verses that have been frequently used among people as proverbs and convey the concept of decay, out of this average, 8 schemas relate to volumetric schemas, while only 1 schema pertains to powerful schemas, and the remaining average consists of kinetic schemas. It is noteworthy that in terms of frequency, volumetric schemas have the highest share

Keywords: *conceptual schemas, Holy Quran, cognitive semantics theory, death and decay, Johnson's theory.*

Cite this article : Zarei, F. & Jamshidi, F. (2025). *A study of conceptual schemas of Quranic proverbs centered on "death" and "decay" based on Johnson's model.*, year2, issue1, Pp 1-22. DOI: 10.22034/jisall.2025.517730.1069

© The Author(s).

Publisher: University of Zabol



*Corresponding Author: Fatemeh Zarei

Address: PhD student of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

E-mail: fateme.zarei75@yahoo.com



بررسی طرح‌واره‌های تصویری امثال قرآنی دارای محوریت «مرگ» و «زوال» براساس

الگوی جانسون

فاطمه زارعی^{۱*}، فرشته جمشیدی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: از رویکردهای جدیدی که استعاره را از جنبه‌هایی تازه مورد بررسی قرار می‌دهد، مکتب
مقاله پژوهشی زبان‌شناسی شناختی است. این مکتب هرگونه فهم و بیان مفاهیم انتزاعی در قالب مفاهیم
ملموس‌تر را کاربردی استعاری می‌داند؛ از این روست که تأثیرپذیری از روابط تعاملی
جسم انسان با محیط، در بیان مفاهیم ذهنی و انتزاعی نقش بسزایی در القای مطلب به
مخاطب، ایفا می‌کند؛ بدین رو در راستای جسم‌انگاشتن و قالب انسانی بخشیدن به واژه‌ها
که خود متأثر از ارتباط دوسویه جسم با دنیای اطراف است، گام‌هایی برداشت که از آن
می‌توان به طرح‌واره تصویری اشاره کرد. تحقیق پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی
نگاشته شده و به تحلیل و واکاوی «ضرب‌المثل‌های قرآنی دارای محوریت «مرگ» و «زوال»
به ارائه انواع طرح‌واره‌های تصویری در سه حوزه حجمی، حرکتی و قدرتی با تکیه بر
نظریه معناشناختی جانسون، پرداخته است. با بررسی آیات پر بسامد که مانند مثل میان
مردم پرکاربرد شده و دارای مفهوم مرگ و زوال است؛ طرح‌واره حجمی بالاترین
سهم را داراست. پس از آن طرح‌واره حرکتی و بعد طرح‌واره قدرتی نمونه‌هایی را به خود
اختصاص داده‌اند.

دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۱۵

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۴/۲۲

کلمات کلیدی: طرح‌واره‌های تصویری، قرآن کریم، نظریه معناشناسی شناختی، مرگ و

زوال، نظریه جانسون.

استناد: زارعی، ف. جمشیدی، ف. (۱۴۰۴). بررسی طرح‌واره‌های تصویری امثال قرآنی دارای محوریت «مرگ» و

«زوال» براساس الگوی جانسون، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱-۲۲.

DOI: 10.22034/jisall.2025.517730.1069



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زابل

۱. مقدمه

قرآن مصادیق متعدد و ابعاد متنوعی از مفاهیم دینی و اخلاقی را در بر گرفته است. یکی از جلوه‌های زیبا و باشکوه قرآن، آن است که از تمامی روش‌ها و ابزارها، برای حیات بخشیدن به مفاهیم و حقایق بهره می‌جوید و به الفاظ روح و طراوت می‌بخشد؛ همچنان‌که یک هنرمند از دل قطعه سنگی خاموش و بی‌حرکت، تصویر انسان یا هر موجود دیگری را می‌تراشد و به آن مفهوم می‌بخشد، قرآن نیز از کلماتی ظاهراً ساده و بی‌جان، تصویری زیبا و بدیع خلق کرده و با دم مسیحایی خود، روحی در کالبد الفاظ می‌دمد که تا ابد زنده و پویا هستند و در دل‌ها و افکار موجی از احساس و حرکت می‌آفرینند (قاسمی، ۱۳۸۷ش، ص ۸).

به‌کارگیری مثل‌ها به دلیل دارا بودن ماهیت ایجازگونه و تأثیرگذاری، از دیرباز توجه ادیبان زیادی را در این حوزه را به خود معطوف داشته است. از این نظر، بستری را برای بسط معانی گسترده در سیستم آوایی و معانی مجازی زبان خلق می‌کند. این ساختارهای ازپیش‌تعیین‌شده به کمک طرح‌واره‌های تصویری که دارای معنای مستقیم و تجربی از طریق حرکات بازگشتی فیزیکی انسان، تعاملات ادراکی و دستکاری کردن اشیاء، وارد ذهن انسان می‌شوند؛ از این رو، زبان‌شناسی شناختی، یکی از گرایش‌های زبان‌شناسی است که عمدتاً از دهه ۱۹۷۰م اوج گرفته و اکنون به زمینه پژوهشی برجسته‌ای در زبان‌شناسی تبدیل شده است. این گرایش، محصول و مدیون سه زبان‌شناس برجسته‌ای چون جورج لیکاف، لئو تالمی و دیوید لانگاکر بوده است (خسروی و دیگران، ۱۳۹۳ش، ص ۹۶).

مثل‌ها در واقع فشردۀ افکار هر قوم و نمونه عالی قریحه ادبی هر ملت است (بهمن‌یار، ۱۳۸۱ش، ج ۳، ص ۱۶؛ همایی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۴۴) که با وجود کوتاهی لفظ و سادگی و روانی، شنونده را به فکر فرو می‌برد (برقعی، ۱۳۶۴ش، ص ۵)؛ چون حاصل میراثی از غنای معنوی نسل‌های گذشته است که به آیندگان می‌رسد و آنان را با زندگی و آداب و رسوم پیشینیان آشنا می‌سازد (آرین‌پور، ۱۳۷۴ش، ص ۴). این گونه ادبی از فصاحت خاصی برخوردار است که تنها کسی که به اسرار زبان عربی آگاهی دارد، می‌تواند آن را درک کند؛ ضرب‌المثل‌های عربی سابقه‌ای کهن داشته و سابقه پیدایش آن به قبل از اسلام باز می‌گردد، اما برخی از امثال عربی که در کتاب‌های ادبی و امثال توضیح داده شده است، پیش از اسلام در میان اعراب دهان‌به‌دهان گشته و از نسلی به نسل بعد منتقل شده است (الرازی، ۱۹۸۷م، ص ۱۳). از

-
1. Cognitive Linguistics.
 2. George Lakoff.
 3. Leo Talmy.
 4. Langacker Ronald.

بازرترین وجوهی که قرآن کریم به آن عنایت داشته، جنبه امثال است که شگفت‌انگیزترین و شیواترین راهنمایی‌ها را در شکل‌گیری شخصیت اسلامی و رسانیدن مقصود به عوام را فراهم می‌آورد. همان‌گونه که پیداست هریک از امثال و تعبیر قرآنی بر پایه مفهوم‌سازی بنا شده‌اند؛ از این رو بررسی طرح‌واره‌های موجود در آیات قرآن و به‌ویژه آیاتی که به‌صورت مَثَل یا یک تعبیر خاص مورد استفاده عموم قرار گرفته است، می‌تواند مسلمانان را به درک بهتری از کلام الهی برساند. طرح‌واره‌های تصویری ساختارهایی هستند که دارای معنای مستقیم، تجربی و متضمن به‌کاررفته و به‌صورت پیشینی مفهوم‌سازی شده‌اند و از طریق حرکات بازگشتی فیزیکی انسان، تعاملات ادراکی و دستکاری کردن اشیاء، وارد ذهن انسان می‌شوند. براساس نظر جانسون، طرح‌واره‌های تصویری الگوی پویای تعاملات ادراکی و برنامه‌های حرکتی انسان است که به‌صورت تکرارشونده و بازگشت‌کننده هستند و به تجربه انسان پیوستگی و نظام می‌دهند (Janson, 1987, p.15).

مَثَل‌های مورد بررسی این پژوهش به‌صورت اسنادی و با استناد به کتاب فرهنگ موضوعی ضرب المثل‌های قرآنی و معادل‌های آن در فارسی و انگلیسی (نوشته ناصری و همکاران/۱۳۹۶) جمع‌آوری شده و در مرحله بعد با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل مؤلفه‌های آن پرداخته شده است. طرح‌واره‌های موجود در این ضرب‌المثل‌ها براساس الگوی پیشنهادی مارک جانسون^۱ (۱۹۸۷) بررسی و تحلیل شده و سپس پربسامدترین طرح‌واره استفاده شده در ضرب‌المثل‌ها را بیان شده است. قرآن کریم کتاب تشریح، هدایت و تربیت است و صرفاً یک کتاب احکام نیست؛ با تأمل در آیه آیه کتاب الهی می‌توان به رویکردهای انسان و جامعه و حل مشکلات آن‌ها پرداخت؛ در واقع از زمان‌های دیرینه استفاده از امثال به‌دلیل اختصار و کارآمدی آن در انتقال پیام مؤثرتر واقع می‌شود. ضرب‌المثل جمله‌ای است مختصر به نظم یا نثر، مشتمل بر پند یا قاعده اخلاقی که مورد تمثال خاص و عام شود و از فرط سادگی و روانی و کمال ایجاز، همگان به آن استشهاد کنند (حکمت، ۱۳۸۷ش، ص ۴۸).

نویسندگان در این جستار به‌دنبال آن بودند تا با بررسی آیات موجود که حاوی ضرب‌المثل است، طرح‌واره‌های موجود را مورد کاوش قرار دهند. روش تحلیل در این جستار توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع، اسناد و ابزار کتابخانه‌ای و تاحدودی فضای مجازی، صورت گرفته است؛ بدین گونه که ابتدا آیاتی را مورد بررسی قرار داده سپس آن دسته از آیاتی که طرح‌واره تصویری در آن نمود بیشتری داشته را به‌عنوان شاهد مثال ذکر کرده و این الگو را بر روی آن‌ها تطبیق داده شده است.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به نقش سازنده صور خیال، به‌ویژه استعاره در ادبیات، با وجود تحقیقات گسترده‌ای که در این حوزه صورت گرفته است، ولی در هیچ‌کدام از آن‌ها اثری یافت نمی‌شود که در آن به بررسی طرح‌واره‌های تصویری مثل‌های قرآنی دارای محوریت «مرگ» و «زوال» براساس الگوی جانسون پرداخته باشد و تنها به صورت جزئی به برخی از مضامین اشاره شده است. چون در حوزه ادبیات عربی، بررسی و تحلیل متون با رویکرد زبان‌شناسی شناختی کمتر مورد توجه قرار گرفته و از آنجاکه این نگرش با بررسی تصویرها می‌تواند ما را به سرچشمه اندیشه‌های نویسندگان و شاعران رهنمون شود، این مقاله بر آن است تا ابتدا، تعریفی از استعاره از منظر دیدگاه سنتی و دیدگاه زبان‌شناسی شناختی ارائه دهد، سپس به نمونه‌هایی از آیاتی که استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های مختلف تصویری در آن نمود بیشتری دارد با رویکرد یاد شده پردازد.

۳. سوالات پژوهش

- طرح‌واره‌های موجود در مثال‌های قرآنی چگونه می‌تواند در فهم کلام الهی به بشر مؤثر باشد؟
- کدام یک از طرح‌واره‌های تصویری (حرکتی، حجمی و قدرتی) دارای بسامد بیشتری در مثال‌های قرآنی است؟

۴. پیشینه پژوهش

در زمینه طرح‌واره‌های تصویری و استعاره‌های مفهومی در ایران و خارج از ایران نیز پژوهش‌هایی در قالب کتاب و مقاله به انجام رسیده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آریان‌فر (۱۳۸۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی شماری از ضرب‌المثل‌های فارسی براساس طرح‌واره‌های تصویری در چارچوب معناشناسی شناختی» با توجه به الگوی ایوانز و گرین، کینکی و لیکاف صرفاً به آن بخش از امثال فارسی پرداخته است که در آن اعضای بدن مطرح است؛

- مقیاسی (۱۳۸۵) در «نقد و بررسی طرح‌واره‌های تصویری قرآن در نهج‌البلاغه» ساختارهای استعاری نهج‌البلاغه را براساس نظریه جانسون و در سه قالب «قدرتی»، «حجمی» و «حرکتی» بررسی کرده است که الگوی پژوهش ایشان براساس استعاره‌های مفهومی قرآن کریم است.

- زرکوب و فیاض در پژوهشی با عنوان «پژوهشی در وجوه بیانی امثال قرآنی» همان‌گونه که از نامش مشهود است به گونه‌شناسی امثال قرآنی و استعارات موجود در آن پرداخته است؛ سه مقاله نیز با عناوین «مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان» به رشته تحریر درآورده اند.

- باقری و محرابی کالی (۱۳۹۲)؛ طرح‌واره‌های چرخشی را که یکی از شاخه‌های طرح‌واره‌های حرکتی است در غزلیات سعدی و حافظ بررسی کرده‌اند و به تبیین درک هر دو شاعر از حرکت زمان

می‌پردازد که در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که حافظ به‌عنوان انسانی حماسی و سعدی به‌عنوان انسانی تراژیک معرفی می‌کند.

- روشن و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های گویش تالشی در چارچوب معنی‌شناسی شناختی» پرداخته‌اند.

- ذوالفقاری و عباسی (۱۳۹۴)؛ نیز در مقاله‌ای با عنوان «استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در اشعار ابن خفاجه» به بیان استعاره‌های مفهومی پرکاربرد و انواع طرح‌واره‌هایی که ابن خفاجه در اشعار خود به کار برده است، پرداخته‌اند.

- شیخ سنگ تجن (۱۳۹۶) و «بررسی طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شمال خوزستان در گویش دزفولی به قلم پاک‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی امثال موجود در گویش‌های گوناگون براساس مدل ایوانز و گرین پرداخته‌اند.

- وهیب ماجد عیال (۲۰۲۴م) در مقاله‌ای با عنوان «الاستعاره فی ضوء اللسانیات العرفانیة: النظریة التصوریة لجورج لایکوف ومارک جونسون أنموذجا» به بررسی نظریه جانسون و لایکوف درباره طرح‌واره‌های تصویری پرداخته و تلاش کرده تا این نظریه را به‌عنوان یک الگو و مدل برای تصویرسازی مفاهیم انتزاعی معرفی کند.

با توجه به جست‌وجوی فراوان در پی دستیابی به پژوهش یا پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله پیش‌رو، می‌توان گفت هیچ پژوهش جامع و کاملی در حوزه طرح‌واره‌های تصویری امثال قرآنی با محوریت «مرگ» و «زوال»، براساس الگوی جانسون دیده نشده است که پژوهش به‌دنبال بررسی و تحلیل این مهم است.

۵. مبانی نظری

۵-۱. زبان‌شناسی شناختی و گستره علمی آن

طرح‌واره‌ها در حقیقت، فرایندی از ساختارهای شناختی زبان‌اند که به‌واسطه تجربه‌های فیزیکی انسان در برخورد با جهان خارج به‌وجود می‌آیند (باقری و محرابی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲۵). «طرح‌واره تصویری یکی از مفاهیم اساسی زبان‌شناسی شناختی است که نخستین بار مارک جانسون آن را مطرح کرد. این گونه ادبی، زیر مجموعه استعاره مفهومی و سازمان‌دهنده حوزه مبدأ در نگاشت‌های استعاره‌ای است.

«استعاره مفهومی در اصل فهم و تجربه یک حوزه مفهومی براساس حوزه دیگر است. آنچه در استعاره مفهومی روی می‌دهد، «نگاشت ۱» دو حوزه است؛ توضیح آنکه اگر عناصر حوزه‌ای مفهومی را یک مجموعه و عناصر حوزه مفهومی دیگر را مجموعه‌ای دیگر بدانیم، نگاشت‌هایی میان این دو

مجموعه روی می‌دهد؛ یعنی عناصری از حوزه مبدأ بر عناصر حوزه مقصد نگاشته می‌شود.» (هوشنگی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۴). به عبارت دیگر، طرح‌واره‌های تصویری برخاسته از درک جسمی شده ما و عینی‌اند. ما با بهره‌گیری از این طرح‌واره‌های عینی می‌توانیم درباره حوزه‌های انتزاعی صحبت کنیم.» (راسخ مهند، ۱۳۸۹ش، ص ۵۹). از این‌رو، زبان در علوم شناختی، یکی از عالی‌ترین نموده‌های ذهن است که هم محصول شناخت و هم فرایندی شناختی به‌شمار می‌آید و زبان‌شناسی شناختی، به‌عنوان مکتبی که ساخت، یادگیری و بهره‌وری از زبان را بهترین مرجع زبان‌شناسی شناخت انسان می‌داند، در علوم شناختی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (نورمحمدی، ۱۳۸۷ش، ص ۲).

رویکرد شناختی به زبان نیز یکی از جدیدترین و محبوب‌ترین رویکرد زبان‌شناسی است؛ این رویکرد در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ایالات متحده آغاز شد و در اواخر دهه ۱۹۸۰ به اروپا گسترش یافت و در دهه ۱۹۹۰ به سرعت در بسیاری از نقاط جهان رواج پیدا کرد (driven & de Mendoza Ibanez, 2010, p.14). زبان‌شناسی شناختی ۱ رویکردی به تحلیل زبان‌های طبیعی است که زبان را به‌عنوان ابزاری برای نظم و سامان‌بخشی، پردازش و انتقال اطلاعات در نظر می‌گیرد. وقتی کاربران یک زبان، ارتباط زبانی برقرار می‌کنند، اطلاعاتی که دارند را به‌صورت خاصی پردازش می‌کنند و نظم و سامان ویژه‌ای به آن‌ها می‌دهند و سپس آن‌ها را در قالب تعبیرهای زبانی به دیگران انتقال می‌دهند (قائمی‌نیا، ۱۴۰۰ش، ص ۴۳).

یکی از زیرشاخه‌های مهم و اصلی این علم، معناشناسی شناختی ۲ است که پس از بررسی رابطه تجربه، نظام مفهومی و ساختار معنایی زبان، به شیوه مفهوم‌سازی ۳ نیز تکیه و توجه دارد و بر این اصل مبتنی است که ادراک انسان از تجارب جسمانی او نشأت گرفته و بدین شیوه امکان تفکر و تأمل برای وی فراهم می‌شود و سپس به مطالعه زبان می‌پردازد. در این دیدگاه، ساختارهای تصویری انسان در دو زمینه طرح‌واره تصویری و استعاره مفهومی بررسی می‌شوند و طرح‌واره‌های تصویری، پایه و اساس شکل‌گیری استعاره را فراهم می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۲۳). اینک به بحث در مورد طرح‌واره‌های تصویری و چگونگی پیدایش و جایگاه آن در مبحث معناشناسی شناختی می‌پردازیم.

۲-۵. طرح‌واره‌های تصویری

مفهوم طرح‌واره را نخستین بار تلت (۱۹۳۲) که از پیروان مکتب روان‌شناسی گشتالت بود به‌کار برد. در ارائه پاسخ به این پرسش که اطلاعات مربوط به وقایع و رویدادها، چگونه برای کاربردهای بعدی در ذهن ذخیره می‌شوند؟ به نظر او فهم و یادآوری، عمدتاً در بافت تجربیات پیشین و با اشاره به اطلاعات

1. Cognitive Linguistics.
2. Cognitive Semantics.
3. Conceptualization.

مرتبط موجود در ذهن، صورت می‌گیرد. وی اصطلاح «طرح‌واره» را برای ساختار این تجربیات پیشین به کار برد (یوسفی‌راد، ۱۳۸۲ش، ص ۴۴).

«تصویر» اصطلاحی است که در نقد ادبی امروز میان منتقدان جایگاه ویژه‌ای دارد. «تصویرهای ذهنی به مثابه ابزارهای هستند که معنی را تقویت می‌کنند و بر قدرت تأثیر حسی شعر می‌افزایند.» (فتوحی، ۱۳۸۵ش، ص ۴۲۱). اما واژه «تصویر» در اصطلاح طرح‌واره‌های تصویری، با کاربرد آن در روان‌شناسی در اصطلاح «تجربه تصویری» برابر است که براساس آن تجربه‌های تصویری هم با تجربه‌های جهان بیرونی ارتباط دارند و هم از آن نشأت می‌گیرند. اصطلاح دیگر برای این تجربه، «تجربه حسی» است؛ زیرا از مکانیزم ادراکی حسی ما بر می‌آید و شامل آن می‌شود و فقط محدود به سیستم بصری نیست (Evans & Green, 2006, p.178).

طرح‌واره‌های تصویری یکی از مفاهیم اساسی و کاربردی زبان‌شناسی شناختی است که مارک جانسون آن را یک الگوی پویای پربسامد از تعاملات ادراکی و حرکتی که به تجربه ما انسجام می‌بخشد تعریف می‌کند (Janson, 1987, p.14). لیکاف و جانسون نیز همچنین در کتاب مشترک خود، پایه و اساس طرح‌واره‌های تصویری را چنین بیان کرده‌اند: «بسیاری از طرح‌واره‌ها، پایه‌ای را بواسطه حروف اضافه‌ای چون بالا، روی، به‌سوی، بیرون از، شکل می‌گیرند. بنابراین، ساختمان مفهوم سازی کلی ما، از پیوندها و روابط فضایی - فاصله‌ای می‌باشد.» (Likoff & Johnson, 2014, p.36). مهم‌ترین طرح‌واره‌های تصویری که لیکاف و جانسون مطرح می‌کنند، طرح‌واره‌های «قدرتی، حجمی و حرکتی» است.

۶. تحلیل

۶-۱. بررسی طرح‌واره‌های تصویری ضرب‌المثل‌های قرآنی با محوریت مرگ و زوال

مبنای این پژوهش، بررسی طرح‌واره‌های سه‌گانه قدرتی، حجمی و حرکتی در آیاتی از قرآن مجید با محوریت زوال است که به ضرب‌المثل تبدیل شده‌اند.

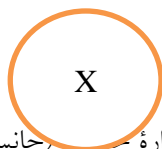
۶-۱-۱. طرح‌واره حجمی

طرح‌واره حجمی مهم‌ترین طرح‌واره تصویری مرتبط با تبیین مفاهیم انتزاعی به‌شمار می‌رود. با استفاده از طرح‌واره‌های حجمی می‌توان مفاهیم انتزاعی و تجارب غیرملموس را که بر بودن چیزی که درون مظلومی قرار دارد و حجمی را به خود اختصاص داده، در قالب استعاره مفهومی شناسایی کرد. از آنجاکه تجارب فیزیکی جسم انسان در طول زندگی‌اش تکرار شده، به‌صورت الگویی در ذهن او باقی مانده است؛ بدین رو این تجارب به‌صورت مفاهیم انتزاعی و ذهنی در بافت گفتاری به‌گونه‌ای شبیه‌سازی می‌شوند که دارای پیوندهای مکانی و زمانی است و دارای طول و عرض و ارتفاع است.

انسان از طریق تجربه قرار گرفتن در اتاق، تخت، خانه، غار و دیگر جاهایی که حکم ظرف پیدا می‌کنند، بدن خود را مظلومی تلقی می‌کند که می‌تواند در ظرف‌های انتزاعی قرار بگیرد. (صفوی،

۱۳۸۲ش، ص ۶۸). از این رو، «طرح‌واره‌های تصویری حجمی، الگوهای ذهنی انسان می‌باشد که از طریق تجربیات حسی و عینی وی از محیط زندگی دریافت شده است. آنگاه برای بیان مفاهیم انتزاعی در قالب واژگان، از همان دریافت‌های حسی استفاده می‌کند و بدین روش به آن‌ها حجم و اندازه (فرم هندسی) می‌دهد.» (فتوحی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۶۳).

بنابراین، «این طرح‌واره انواع طرح‌واره ظرف و مظروف، پر و خالی، داخل و خارج، بزرگ و کوچک را شامل می‌شود.» (آریان‌فر، ۱۳۸۵ش، صص ۱۲۸-۱۳۲). طرح‌واره‌های حجمی از انگاشت میان پدیده‌های ذهنی یا تجربیات انسان از قرارگرفتن در محیط‌هایی نظیر اتاق، تخت‌خواب و این‌گونه فضاها ناشی می‌شود. (ویسی و دریس، ۱۳۹۴، ص ۷). «براساس طرح‌واره حجمی می‌توان مفاهیم انتزاعی را که مبتنی بر بودن چیزی در چیز دیگر است در قالب مفاهیم و تجربیات عینی مورد بررسی قرار داد.» (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۴ش، ص ۷). این طرح‌واره‌ها، امکان تجسم ظرف و مظروف را با شبیه‌سازی قرار گرفتن در درون یکدیگر ممکن می‌سازد. طرح‌واره‌های حجمی موجود امثال قرآنی دارای محوریت زوال و پایان حیات به صورت شکل زیر است که امکان تجسم ظرف و مظروف را با شبیه‌سازی قرار گرفتن اشیا در درون یکدیگر ممکن می‌سازد:



شکل ۱: طرح‌واره حجمی «جانسون، ۱۹۸۷م، ص ۲۳»

(كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ) (آل عمران: ۱۸۵)

«هر نفسی چشنده مرگ است.»

«براساس طرح‌واره حجمی می‌توان مفاهیم انتزاعی را که مبتنی بر بودن چیزی در چیز دیگر است در قالب مفاهیم و تجربیات عینی مورد بررسی قرار داد.» (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۴ش، ص ۷). با درنگ و توجه به مفاد آیه در می‌یابیم با وجود اینکه مرگ یک مفهوم انتزاعی است اما در این آیه همانند یک خوراکی مادی و ملموس در نظر گرفته شده است که دیده می‌شود و می‌توان آن را چشید؛ یعنی درون چیزی قرار می‌گیرد و ظرفی را به خود اختصاص می‌دهد؛ به دیگر عبارت خداوند برای حقیقت مرگ و نیز اینکه مرگ برای هر انسانی اتفاق می‌افتد، مفهوم انتزاعی مرگ را با خوراک که برای مخاطب آشناست، شبیه‌سازی کرده است؛ «نفس» ظرف و مرگ را مظروف معرفی کرده است؛ با این بیان، مخاطب درک عمیق‌تری از مفهوم انتزاعی مرگ پیدا می‌کند.

این طرح‌واره‌ها، امکان تجسم ظرف و مظروف را با شبیه‌سازی قرار گرفتن در درون یکدیگر ممکن می‌سازد. وزن است و حجمی را به خود اختصاص داده است. طرح‌واره این نمونه به شکل زیر در ذهن متصور می‌شود:



شکل ۲: ظرف و مظروف

(كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَيَبْقَىٰ وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ) (الرحمن: ۲۶-۲۷)

«هرکه روی زمین است دستخوش مرگ و فناست و فقط خدای با جلال و عظمت باقی می‌ماند». شاهد مثال در آیه فوق تعبیر «وَبَيَّتِي وَجْهٌ رَبِّكَ» است؛ این تعبیر یک مفهوم انتزاعی است که نمی‌توان آن را نشان داد یا لمس کرد. خداوند متعال با ذکر فعل «بیقی» به معنای «باقی ماندن»، گویا آن را یک شیء عینی در نظر گرفته که برخلاف زوال و نابودی تمام موجودات و مخلوقات الهی صرفاً این ذات پروردگار بر روی عرش الهی باقی می‌ماند.

مفهوم «بیقی» همچون شیء گران‌بهایی پنداشته شده است که از دسترس بقیه دور است؛ به عبارت دیگر خداوند برای نشان دادن بقا و زوال‌ناپذیری خود، در برابر دیگر موجودات زمین، تعبیر «وجه ربک» را به‌عنوان مظروفی معرفی کرده که در ظرف «باقی ماندن» قرار می‌گیرد؛ بدین ترتیب این مفهوم این‌گونه به مخاطب القا می‌شود که وجه و ذات پروردگار زوال‌ناپذیر بوده و برای همیشه باقی است.

(كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) (قصص: ۸۸)

«همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می‌شود. حاکمیت تنها از آن اوست و همه به‌سوی او بازگردانده می‌شوند.»

ذات خداوند با اینکه یک مفهوم انتزاعی است و غیر عینی است، اما به‌صورت پدیده‌ای عینی و ملموس فرض شده است و برای آن ابعادی متصور گشته است. از آنجاکه عناصر اصلی طرح‌واره حجمی عبارت‌اند از: «درون»، «محدوده» و «بیرون»، ساختار درونی این طرح‌واره مثل هر طرح‌واره تصویری دیگری به‌نحوی مرتب شده است که به یک نتیجه‌گیری منطقی منجر می‌شود. براساس این طرح‌واره هرچیزی دارای ظرف و ابعاد است.

(وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ) (اعراف: ۳۴)

«برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کند و نه بر آن پیشی می‌گیرند.»

شاهد مثال در آیه بالا، کلمه «أجل» است؛ این واژه با اینکه یک مفهوم انتزاعی است، برایش یک ذات مادی فرض شده است که قابلیت حرکت و آمد و شد دارد؛ همچنین می‌توان گفت برای

تصویرسازی مفهوم ترس برای این مفهوم، خداوند متعال بدین شکل از این کلمه استفاده کرده است تا بتواند عظمت این مفهوم را برای بندگانش متصور شود.

(كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ * وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ * كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ) (دخان: ۲۵-۲۸)

«چه بوستان‌های پر درخت و چشمه‌سارهایی که از خود بر جای نهادند؛ و کشتزارها و جایگاه‌هایی نیکو که در آن‌ها کلاخ‌ها و خانه‌های زیبا ساخته بودند؛ و نعمت‌هایی که در آن به سر می‌بردند و گفت‌گو‌هایی خوش داشتند؛ آری ماجرا این‌گونه بود و هنگامی که ما آنان را هلاک کردیم، همه آن نعمت‌ها را به مردمی دیگر (بنی اسرائیل) به میراث دادیم».

شاهد مثال در این آیه شریفه «وَمَقَامٍ كَرِيمٍ» و «نَعْمَةٍ» است. در حقیقت خداوند متعال برای مفهوم انتزاعی «جایگاه نیکو» که قابل رؤیت و تجسم نیست، ذاتی مادی در نظر گرفته همانند بوستان‌های پر درخت و چشمه‌سارهایی که پیش از جایگاه ذکر شده، امکان برجای نهادن دارد؛ به عبارت دیگر، خداوند برای نشان دادن نعمت‌هایی که برای مؤمنان در بهشت در نظر گرفته است از تعبیر «مقام کریم» استفاده کرده است؛ یعنی مؤمنان در جایگاه نیکی قرار می‌گیرند که سرشار از نعمت‌های الهی است و این معنا و تعبیر، به‌وضوح طرح‌وارهٔ حجمی را نشان می‌دهد؛ زیرا «مقام کریم» و «نعمت» اشاره به «ظرف» و «مظروف» دارد که برای مؤمنان در نظر گرفته شده است.

برای مفهوم نعمت نیز، ذاتی مادی در نظر گرفته شده که مخلوقات در ظرف «فی» قابلیت وجود داشتن و قرار گرفتن پیدا کردند و در آن شادمان و مسرور بودند.

(فَأُمَّهُ هَآوِيَةٌ) (قارعه: ۹) «پس جایگاهش در قعر هاویه است.»

در آیه ۹ از شریفهٔ قارعه خداوند آتش دوزخ را به وقت شعله‌ور شدن همچون شیئی پنداشته که چیزی را احاطه می‌کند و در عین حال چون مهلکه‌ای هر لحظه بر همه چیز غلبه می‌کند و دوزخیان را در بر می‌گیرد.

شکل انتزاعی این طرح‌واره، حجمی است و «هاویه» ظرفی برای نشان دادن شکل عذاب است که خداوند متعال آن را بیان کرده است.

آنچه موجب ساخت چنین استعاره‌هایی می‌شود، نگاشت‌های استعاری و طرح‌واره‌های تصویری هستند که به کمک الگوبرداری از حوزه مبدأ (عینی و تجربی) و تعمیم آن به حوزه مقصد (فراحسی و باطنی) در تبیین مفهوم انتزاعی آن به‌کار برده می‌شود. خداوند متعال نیز آیات فوق را مکان‌واره‌هایی را در نظر می‌گیرد که دارای مظروف‌هایی هستند که معنا و حقیقت کلام که در درون ظرف الفاظ و تعابیر قرار می‌گیرند.

۲-۱-۶. طرح‌واره قدرتی

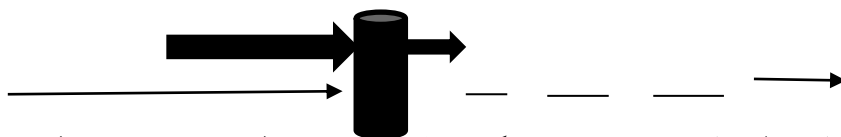
این نوع از طرح‌واره با مقادیر و اندازه کمی اشیاء سروکار دارد و در به تصویر کشیدن مفاهیم انتزاعی از واژگانی که دلالت بر مقدار دارد، مانند گسترش داد، زیاد کرد، کاهش داد و کاست، استفاده می‌شود. انسان در طول زندگی با موانعی بر سر تمایلات و خواسته‌های خود روبه‌رو می‌شود، اما حالات انعطاف‌پذیری او موجب می‌شود جهت برداشتن مانع راهکارهایی را بیندیشد. بدین ترتیب، «طرحی انتزاعی از این برخورد فیزیکی در ذهن انسان نقش می‌بندد که باعث می‌شود وی این حالات و کیفیات را منسوب به پدیده‌هایی کند که در عالم واقع فاقد آن ویژگی‌هایند.» (بیابانی و طالبیان، ۱۳۹۱ش، ص ۱۱۲)؛ از این رو، «طرح‌واره قدرتی از چگونگی برخورد انسان به مانع و حالت‌های مختلفی که در پی آن برای او متصور است، الگوهای تصویری در ذهن ترسیم می‌کند که به کمک آن‌ها تجارب انتزاعی قابل درک می‌شوند.» (Janson, 1987, p.47).

(أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ) (نساء: ۷۸)

«هر کجا باشید مرگ به شما می‌رسد؛ اگر چه در برج‌های استواری باشید.»

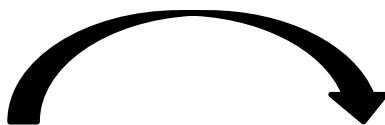
خداوند در این آیه مبارکه، مفهوم انتزاعی مرگ را به گونه‌ای در نظر گرفته است که هنگام برخورد با موانع که به عنوان «بروج مشیده» در این آیه نمود پیدا کرده است، آن را می‌شکند و از آن عبور می‌کند و ناگزیر آدمی را در می‌یابد.

نوع طرح‌واره در این شاهد مثال، از نوع شکستن مانع است که شکل آن به صورت زیر قابل تصور است:



شکل ۳: طرح‌واره قدرتی نوع سوم شکستن مانع و ادامه مسیر (Janson, 1987, p.47)

همان‌طور که دیده می‌شود، طرح‌واره‌های قدرتی در این آیه بیشتر از نوع اول در تقسیم‌بندی جانسون است؛ یعنی وقتی به مانع برخورد می‌کند مانع را می‌شکند و از آن عبور می‌کند. اما مثال پیشین تنها شاهدهی بود که در آیات با محوریت مرگ و زوال، طرح‌واره قدرتی در آن هویدا بود و از میان آیات مورد بحث دیگر نمی‌توان آیه‌ای یافت که در آن این نوع طرح‌واره به کار رفته باشد، اما برای درک بیشتر به توضیح نوع دیگر این طرح‌واره نیز می‌پردازیم. در دومین نوع طرح‌واره قدرتی، در مسیر حرکت، سد، مانع از حرکت نمی‌شود، به عبارت دیگر می‌توان با دور زدن مانع به مسیر خود ادامه داد.



مقصد مانع مبدأ

شکل (۴): طرح‌واره قدرتی نوع دوم دور زدن مانع (Janson, 1987, p.47)

۳-۱-۶. طرح‌واره حرکتی

طرح‌واره‌های حرکتی، حاصل تجربه روزمره ما از حرکت در جهان پیرامونمان است. به عبارت دیگر، «طرح‌واره‌های حرکتی، منعکس‌کننده تجربه انسان از حرکت خود با دیگر اشیا است. این حرکت یک نقطه آغاز به نام مبدأ و یک نقطه پایان به نام مقصد دارند. آنچه را بین این دو نقطه قرار می‌گیرد، مسیر می‌نامند.» (Saeed, 2013, p.369). طرح‌واره‌های حرکتی، منعکس‌کننده تجربه انسان از حرکت خود با دیگر اشیاست (ویسی، ۱۳۹۴ش، ص ۷).

به عقیده کوچش، در استعاره مفهومی، فهم حوزه مقصد براساس حوزه مبدأ است و اصل استعاره بر پایه نگاشت‌ها استوار است. «آن حوزه مفهومی که ما از آن، عبارات استعاری را استخراج می‌کنیم تا حوزه مفهومی دیگری را درک کنیم، حوزه مبدأ و آن حوزه مفهومی را که بدین روش درک می‌شود، حوزه مقصد می‌نامیم.» (کوچش، ۱۳۹۳ش، ص ۱۵). بدین ترتیب؛ نگاشت نیز مجموعه‌ای از تناظرهای نظام‌مند میان مبدأ و مقصد وجود دارند که عناصر مفهوم سازه‌ای حوزه «ب» را بر عناصر سازه‌ای حوزه «الف» منطبق می‌کنند. به این تناظرهای مفهومی، در بیان فنی، انطباق گفته می‌شود. (کوچش، ۱۳۹۳ش، ص ۲۰)؛ به عبارت ساده‌تر، براساس اصول کاربردی این نوع طرح‌واره، حرکت از نقطه «الف» به نقطه «ب» مستلزم عبور از تمامی نقاطی است که در مسیر «الف» به «ب» هستند. نکته دیگر اینکه مسیرها، جهت دار هستند و هر مسیری با سپری شدن میزان خاصی از زمان همراه است. (سجودی، ۱۳۸۵ش، ص ۵۰-۵۱). اما از آنجا که گوینده ممکن است در ابتدا یا میانه یا انتهای این مسیر چیزی را تصور کند.

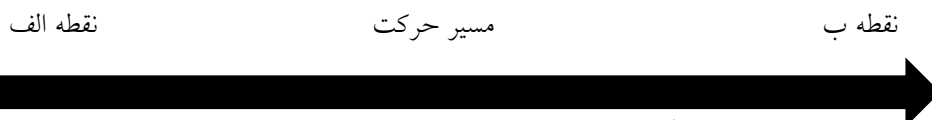
(أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ) (نساء: ۷۸)

«هرکجا باشید مرگ به شما می‌رسد؛ اگر چه در برج‌های استواری باشید.»

این آیه شریفه گویا این را متصور می‌شود که بندگان در جایی قرار دارند و این مرگ مانند یک ماده حرکت می‌کند و به مخلوقات می‌رسد؛ گویی برای مرگ یک حجم و ابعاد در نظر گرفته شده که قابلیت حرکت دارد.

همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم یک آیه ممکن است چندین طرح‌واره در خود داشته باشد؛ مانند این آیه که افزون‌بر طرح‌واره حجمی و قدرتی، طرح‌واره حرکتی را نیز دربر دارد. خداوند متعال در این آیه مرگ را مانند موجود زنده‌ای در نظر گرفته که قابلیت راه رفتن دارد و ناگزیر به تمامی موجودات می‌رسد و آنان را در بر می‌گیرد. در حقیقت این آیه بیان‌کننده این است که مفهوم انتزاعی مرگ، از نقطه

الف حرکت کرده و به نقطه ب خواهد رسید؛ بنابراین، طرح‌واره حرکتی این آیه از نوع حرکت افقی است و به ترتیب شامل طرح‌واره‌های مبدأ، مسیر و مقصد تقسیم می‌شوند که به ترتیب شکل زیر نمایش داده می‌شود:



شکل ۵: طرح‌واره حرکتی افقی (Janson, 1987, p.114)

(وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ) (اعراف: ۳۴)

«برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کند و نه بر آن پیشی می‌گیرند».

همان‌گونه که در توضیحات طرح‌واره حجمی نیز ذکر شد، این آیه نیز هم‌زمان دربردارنده دو طرح‌واره می‌باشد؛ حجمی که پیش‌تر ذکر شد و حرکتی که پروردگار تبارک و تعالی برای مفهوم انتزاعی اجل ذات مادی در نظر گرفته و آن را مانند موجودی زنده فرض کرده که قابلیت تحرک و پویایی دارد. این آیه نیز بیانگر حرکت افقی است.

(مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ) (اعراف: ۳۴)

«هیچ قومی از اجل خود پس و پیش نخواهد افتاد».

شاهد مثال در این آیه شریفه نیز همانند مثال پیشین است. در واقع برای مفهوم انتزاعی «اجل» ذاتی مادی در نظر گرفته شده که قابلیت سبقت گرفتن دارد؛ یعنی می‌تواند نقطه شروعی داشته باشد و از یک مسیر حرکت کند و به نقطه پایان برسد.

در این آیه نیز مفهوم انتزاعی اجل، یک ماده قابل سبقت گرفتن فرض شده است و قابلیت انتقال و حرکت و سبقت از تمامی مخلوقات خداوند را داراست.

در این آیه با القای حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر، به خواننده از طریق تصاویر حرکتی، به درک معنا کمک می‌کنند.

(قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (آل عمران: ۱۶۸)

«بگو پس مرگ را از خودتان دور سازید اگر راست می‌گویید».

در این آیه با اینکه مفهوم «مرگ» مفهوم انتزاعی است، اما به صورت یک ماده نظر گرفته شده است که قابلیت حرکت و دور شدن را داراست که انسان می‌تواند آن را از خود دور سازد یا به خود نزدیک سازد.

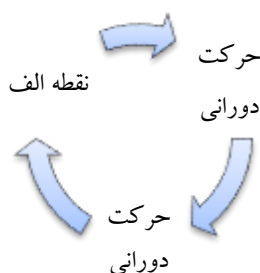
طرح‌واره حرکتی موجود در این آیه نیز شامل حرکت افقی است. در این طرح‌واره حرکت از نقطه «الف» که همان زوال است آغاز شده و در طی فرایندی که همان مسیر است و در اینجا با عنوان فاد از آن یاد شده و با «فَادَرَّوَا» از آن یاد شده است.

(كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) (آل عمران: ۱۶۸)

«همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می‌شود. حاکمیت تنها از آن اوست و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند».

این آیه شریفه بیان‌کننده این است که تمامی موجودات زنده پس از مرگ به سوی خداوند بازگردانده می‌شوند؛ در واقع شاهد مثال تعبیر «إلی» است؛ یعنی بندگان خدا که از سوی خداوند به این دنیا پا گذاشتند و پس از فرارسیدن اجل نیز مجدداً به سوی او باز می‌گردند.

پرواضح است نوع حرکت در این آیه یک تفاوت با آیات پیشین دارد و آن این است که در آیات گذشته تمامی حرکات به صورت افقی بود ولی در این آیه حرکت دورانی است؛ یعنی نقطه الف پس از گذراندن یک مسیر دورانی مجدداً بر سر جای خود می‌ایستد. برای درک بهتر، این مفهوم را در شکل



زیر نمایش می‌دهیم:

شکل ۶: طرح‌واره حرکتی دورانی (Janson, 1987, p.114)

(إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (بقره: ۱۵۶)

«ما از آن خداایم و به سوی او باز گردانده می‌شویم».

در این آیه نیز درست همانند آیه بالا شاهد مثال حرف اضافه «إلی» است. در این مثال مخلوقات خدا از نقطه‌ای به نقطه دیگر حرکت نمی‌کنند بلکه پس از یک حرکت دورانی به مکانی که در آن بودند باز می‌گردند.

نقطه اشتراک مثال‌های فوق در طرح‌واره‌های حرکتی است؛ این‌گونه که حرکت از نقطه «الف» به نقطه «ب» انجام می‌گیرد، یک جابه‌جایی در محور زمان اتفاق می‌افتد یا حرکت انجام می‌گیرد اما چیزی

جابه‌جا نشده و شاهد یک گردش به دور خود از جانب جسم هستیم. یافته‌ها از به‌کارگیری این نوع حرکات در آیات بالا، بازنمایی مفهوم انتزاعی حرکت و پویایی است که در قالب تجارب بدنی قابل اجراست.

نتیجه

در قرآن کریم آیات قابل توجهی درباره مرگ و زوال وجود دارد. مرگ یک مفهوم انتزاعی است؛ یعنی نمی‌توان به‌وسیله ابزارهای ادراکی حسی از آن آگاهی یافت، اما خداوند متعال با استفاده از مثل‌هایی این مفهوم انتزاعی را برای مخاطب قابل فهم کرده است.

طرح‌واره‌های تصویری در درک جسمی‌شده ما نسبت به پدیده‌های انتزاعی نقش انکارناپذیری دارند. بررسی‌های مفاهیم انتزاعی آیات قرآن کریم با نگرش طرح‌واره‌ها، ما را به فهم عمیق‌تری از مفاهیم عینی شده رهنمون می‌سازد و موجب وسعت نظر دیدگاه قاری و درک بهتر او از جریان‌های شناختی پروردگار متعال می‌شود.

تلفیق و تطبیق نظریه جانسون در ارائه طرح‌واره‌های تصویری برای بیان مفاهیم انتزاعی، با مثل‌ها و تعبیر قرآنی مرگ و زوال در این مقاله مورد توجه بود و با توجه به اهمیت طرح‌واره‌های تصویری در نظریه زبان‌شناسی شناختی و الگوبرداری آن از تجربه‌های بشری در تبیین امور انتزاعی در این مقاله و در باب مثل‌های قرآنی دارای محوریت «مرگ» و «زوال» می‌توان موارد زیر را به‌عنوان نتیجه مطرح کرد:

- طرح‌واره در آیات مورد پژوهش در سه حوزه حجمی، حرکتی و قدرتی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده و اطلاعات به‌دست آمده از نتایج فراوانی داده‌ها، این نتیجه حاصل شد که «طرح‌واره‌های حجمی» بالاترین بسامد را در آیات مربوط به مرگ و زوال دارد و طرح‌واره‌های قدرتی دارای کم‌ترین تعداد فراوانی‌اند. این درصد به‌خوبی می‌تواند بخش عظیمی از مقصود خداوند متعال را در اختیار ما قرار دهد و ما را بیشتر و بهتر با تلاوت قرآن مجید انس دهد؛ معنایش این است که طرح‌واره حجمی در ملموس کردن مفاهیم انتزاعی اهمیت زیادی دارد.

- ادیبان امروزه از استعاره‌های مادی در زبان روزمره بهره می‌گیرند و آن‌ها را بسط می‌دهند تا جنبه‌های دیگر از واقعیت را به ما نشان دهند؛ مثلاً با استفاده از طرح‌واره حجمی، احساسات را که در حوزه مفاهیم انتزاعی و ذهنی است، در قالب مفاهیم و تجربیات عینی مورد بررسی قرار می‌دهد و طرح‌واره قدرتی را برای چگونگی برخورد انسان به مانع و حالت‌های مختلفی که در پی آن برای او متصور است، استفاده می‌کند و از طرح‌واره حرکتی برای منعکس کردن تجربه روزمره حرکت خود با دیگر اشیا است در طیف وسیعی از مفاهیم غیرعینی بهره می‌گیرد.

منابع

الف. منابع فارسی

- آریان‌فر، سیمین. (۱۳۸۵). بررسی شماری از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی براساس طرح‌واره‌های تصویری در چارچوب نظریه معناشناسی شناختی (رساله کارشناسی ارشد). دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۴). از نیما تا روزگار ما. تهران: زوار.
- الرازی، محمد بن ابی‌بکر. (۱۹۸۷م). الأمثال والحکم. محقق: فیروز حریرچی. دمشق: المستشاریة الثقافية.
- باقری خلیلی، علی اکبر؛ محرابی کالی، منیره. (۱۳۹۲). طرح‌واره چرخشی در غزلیات سعدی و حافظ. فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی ۶ (۲۳). ۱۲۵-۱۴۸.
- برقی، سید یحیی. (۱۳۶۴). کاوشی در امثال و حکم فارسی. قم: نمایشگاه و نشر کتاب.
- بهمن‌یار، احمد. (۱۳۸۱). داستان‌نامه بهم‌یاری. تهران: دانشگاه تهران.
- بیابانی، احمدرضا؛ طالبیان، یحیی. (۱۳۹۱). بررسی استعاره‌های جهت‌گیرانه و طرح‌واره‌های تصویری در شعر شاملو. پژوهشنامه نقد ادبی ۱ (۱). ۹۹-۱۲۶.
- حکمت، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). امثال قرآن. آبادان: انتشارات پرستش.
- خسروی، سمیرا؛ خاکپور، حسین؛ دهقان، سمیرا. (۱۳۹۳). بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآن (با تمرکز بر طرح حجمی، حرکتی و قدرتی). مجله پژوهش‌های ادبی - قرآنی ۲ (۴). ۹۴-۱۱۲.
- راسخ مهند، محمد. (۱۳۸۹). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی (نظریه‌ها و مفاهیم). تهران: انتشارات سمت.
- سجودی، فرزاد. (۱۳۸۵). نشانه‌شناسی زمان و گذر زمان، بررسی تطبیقی آثار کلامی و تصویری. پژوهشنامه فرهنگستان هنر ۱ (۱). ۶۴-۴۶.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). گفتارهایی در زبان‌شناسی. تهران: هرمس.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- قاسمی، آزاده؛ ایزانلو، علی؛ الیاسی، محمود. (۱۳۹۴). بررسی طرح‌واره حجمی واژه غم در اشعار فریدون مشیری. مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۴۰۰). *معناشناسی شناختی قرآن*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قرآن کریم

کوچش، زلتن. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*. ترجمه: ابراهیم شیرین‌پور. تهران: انتشارات سمت.

لیکاف، جورج؛ جانسون، مارک. (۱۳۹۴). *استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم*. ترجمه: هاجر آقا ابراهیمی. تهران: نشر علم.

ناصری، مهدی؛ حاجی‌خانی، علی؛ محمد حسین‌پور، رسول. (۱۳۹۶). *فرهنگ موضوعی ضرب‌المثل‌های قرآنی و معادل‌های آن در فارسی و انگلیسی*. تهران: سبز رایان گستر.

نورمحمدی، مهتاب. (۱۳۸۷). *تحلیل مفهومی استعاره‌های نهج البلاغه: رویکرد زبان‌شناسی شناختی* (رساله کارشناسی ارشد). دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۴). *معنی و بیان*. تنظیم: ماه‌دخت بانو همایی. تهران: هما.

هوشنگی، حسین؛ سیفی پرگو، محمود. (۱۳۸۸). *استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زیباشناسی شناختی*. پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم ۱ (۳). ۳۴-۹.

ویسی، الخاص؛ دریس، فاطمه. (۱۳۹۴). *کاربرد طرحواره‌های تصویری در رباعیات وحشی بافقی از دیدگاه معناشناسی*. فصلنامه زیباشناسی ادبی ۱۲ (۲۳). ۱۷-۱.

یوسفی‌راد، فاطمه. (۱۳۸۲). *بررسی استعاره زمان در زبان فارسی: رویکرد معناشناسی شناختی* (رساله کارشناسی ارشد). دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.



دراسة المخططات التصورية في الأمثال القرآنية حول "الموت" و"الفناء" على أساس نظرية جانسون

فاطمه زارعي^١، فرشته جمشیدی^٢

^١ طالبة الدكتوراه، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الخوارزمي، طهران، إيران.

^٢ طالبة الدكتوراه، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.

الملخص

معلومات المقالة

من بين المناهج الجديدة التي تدرس الاستعارة من جوانب جديدة، تبرز مدرسة اللسانيات المعرفية. تعتبر هذه المدرسة أي فهم أو تعبير عن المفاهيم المجردة في إطار مفاهيم أكثر تجسيداً تطبيقاً استعارياً. ومن هنا، فإن تأثير العلاقات التفاعلية بين جسم الإنسان وبينته يلعب دوراً كبيراً في إيصال المفاهيم الذهنية والمجردة إلى المتلقي. لذا، في سياق اعتبار الكلمات جسدية ومنحها قالباً إنسانياً، والتي تتأثر بدورها بالعلاقة الثنائية بين الجسم والعالم المحيط، تم اتخاذ خطوات يمكن الإشارة إليها بمخططات تصورية. تسعى الدراسة الحالية إلى تحليل واستكشاف "الأمثال القرآنية التي تدور حول محور الموت والفناء" بالاستناد إلى المنهج الوصفي-التحليلي، مع تقديم أنواع المخططات التصورية في ثلاثة مجالات: الحجم، الحركة، والقوة، مع التركيز على نظرية المعنى المعرفي لجونسون. ولتحقيق هذا الهدف، تم تحليل ٩ آيات شريفة، والتي بناءً على استخدامها المتكرر أصبحت أمثالاً شائعة بين الناس وتحمل مفهوم الفناء، حيث تشكل ٨ مخططات منها مخططات حجمية، ومخطط واحد يتعلق بالمخططات القوية، بينما تشكل المخططات المتبقية مخططات حركية. ومن الجدير بالذكر أن المخطط الحجمي يمثل أعلى نسبة من حيث الوفرة.

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٤٦/٠٩/٢٣

تاريخ القبول:

١٤٤٧/٠١/٠٦

الكلمات المفتاحية: المخططات التصورية، القرآن الكريم، نظرية المعنى المعرفي، الموت والفناء، نظرية جانسون.

الاقتباس: زارعي، ف. جمشیدی، ف. (١٤٤٧). دراسة المخططات التصورية في الأمثال القرآنية حول "الموت" و"الفناء" على أساس

نظرية جانسون، مقالة محكمة، السنة ٢، العدد ١، صص ١-٢٢.

DOI: 10.22034/jisall.2025.517730.1069



حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.

A study of conceptual schemas of Quranic proverbs centered on "death" and "decay" based on Johnson's model.

Fatemeh Zarei, (corresponding author): PhD student of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Email: fateme.zarei75@gmail.com

Fereshteh Jamshidi: PhD student of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Introduction

Cognitive linguistics is a branch of linguistics that gained prominence in the 1970s and has since evolved into a distinct school of thought and a well-established field of inquiry. This theoretical framework posits that the understanding and expression of abstract concepts through more tangible, embodied experiences is fundamentally metaphorical. The rationale lies in the fact that human cognition is significantly shaped by the body's physical interactions with its environment, a process which in turn influences how abstract and mental concepts are communicated. Within this embodied approach to meaning, image schemas are of central importance. These are recurring, dynamic patterns derived from sensorimotor experience that structure conceptual understanding. As proposed by Johnson, image schemas emerge from perceptual interactions and bodily movements, providing coherence and structure to human experience. They possess inherent meaning grounded in experience and are pre-conceptual in nature—entering the mind through repeated physical motions, sensory interactions, and object manipulation. This cognitive framework can be traced across a wide range of texts, including the Qur'an. The Qur'an presents diverse examples of abstract moral and religious concepts, with one of its most stylistically powerful features being its use of parable-like expressions (*amthāl*). These metaphorical and didactic constructions are inherently based on conceptualization mechanisms. Since antiquity, proverbs have functioned as concise and effective vehicles of communication. Accordingly, Qur'anic parables lend themselves well to analysis through a cognitive-linguistic lens, particularly through the framework of image schemas. The present study focuses on Qur'anic parables involving the concepts of death and decay, examining them from a cognitive-semantic perspective.

Methodology

This study adopts a descriptive-analytical approach to explore the image schemas underlying Qur'anic parables centering on the notions of "death" and "decay," based on Johnson's cognitive model. Selected verses from the Qur'an were analyzed comparatively, first through brief exegetical commentary, followed by a cognitive interpretation grounded in image schema theory.

Discussion and Results

The research identified three principal image schemas—force, containment, and motion—in the examined verses. The following key insights emerged:

Image schemas play a fundamental and irrefutable role in embodied understanding of abstract phenomena. Analyzing Qur'anic parables through this lens deepens our grasp of how abstract concepts are concretized, ultimately enriching our cognitive appreciation of divine discourse. The diversity and range of image schemas in the Qur'an is significant. Rather than being limited to a single mode of conceptualization, the verses exhibit multiple overlapping schemas, facilitating more accessible and rapid understanding of abstract content by readers.

The construction of these metaphorical mappings is rooted in conceptual metaphor theory, whereby structures from the source domain (concrete and experiential) are projected onto the target domain (abstract and spiritual). The Qur'anic discourse treats its verses as conceptual containers or forceful movements, whereby meaning is encapsulated within linguistic forms, allowing for more effective reception by the audience. In some verses, such as Surah al-Nisa (4:78), all three image schemas—motion, containment, and force—coexist. This triadic schema structure offers multiple interpretive pathways, thereby enhancing comprehension. Such multilayered conceptual mapping is a hallmark of cognitive metaphor theory and serves to make abstract Qur'anic meanings more vivid and accessible.

Conclusion

Given the central role of image schemas in cognitive linguistics—and their foundation in embodied human experience—this study reveals the following key conclusions regarding Qur'anic parables focusing on death and decay:

The analysis identified image schemas within three main domains: containment, motion, and force. Among these, containment schemas appeared most frequently, while force schemas were the least common. This frequency distribution sheds light on divine communicative strategies and encourages deeper engagement with the Qur'anic text. Contemporary authors and rhetoricians draw on material metaphors in everyday language to convey broader dimensions of reality. For instance, containment schemas are used to depict emotions (normally abstract) via spatial and physical structures; force schemas reflect human interactions with resistance or obstacles; and motion schemas encapsulate everyday experiences of physical movement, thereby grounding abstract meaning in familiar patterns. This schema-based mapping enables the Qur'an to convey profound, non-empirical concepts in a cognitively embodied and semantically accessible way, reaffirming its rhetorical depth and conceptual sophistication.

References

- Al-Razi, M. ibn A. B. (1987). *Al-Amthal wal Hikam* (F. Harirchi, Ed.). Damascus: Al-Mustashariya Al-Thaqafiya. {in Arabic}
- Arianfar, S. (2006). *A study of some Persian proverbs based on image schemas within cognitive semantics* (Master's thesis). Faculty of Literature, Alzahra University. {in Persian}
- Arinpour, Y. (1995). *From Nima to our days*. Tehran: Zavvar. {in Persian}
- Bahmanyar, A. (2002). *Bahmanyar's storybook*. Tehran: University of Tehran. {in Persian}

- Baqeri Khalili, A. A., & Mehrabi Kali, M. (2013). The rotational schema in Saadi's and Hafez's ghazals. *Literary Criticism Quarterly*, 6(23), 125–148. {in Persian}
- Barghaei, S. Y. (1985). *A study of Persian proverbs and sayings*. Qom: Book Fair and Publishing. {in Persian}
- Biabani, A. R., & Talebian, Y. (2012). A study of directional metaphors and image schemas in Shamlu's poetry. *Literary Criticism Journal*, 1(1), 99–126. {in Persian}
- Fatouhi, M. (2006). *Rhetoric of imagery*. Tehran: Sokhan. {in Persian}
- Ghasemi, A., Izanlou, A., & Elyasi, M. (2015). A study of volumetric schemas of the word "sadness" in Fereydoun Moshiri's poems. In *Proceedings of the 10th International Conference on Promotion of Persian Language and Literature* (pp. xx-xx). Ardabil: University of Mohaghegh Ardabili. {in Persian}
- Hakemat, A. A. (2008). *Proverbs in the Quran*. Abadan: Parastesh Publications. {in Persian}
- Homaei, J. D. (1995). *Meaning and expression* (M. B. Homaei, Ed.). Tehran: Homa. {in Persian}
- Houshang, H., & Seifi Pargo, M. (2009). Conceptual metaphors in the Quran from the perspective of cognitive aesthetics. *Journal of Quranic Sciences and Knowledge*, 1(3), 9–34. {in Persian}
- Khosravi, S., Khakpour, H., & Dehghan, S. (2014). Study of image schemas in cognitive semantics of Quranic vocabulary (focus on volumetric, kinetic, and power schemas). *Journal of Literary-Quranic Research*, 2(4), 94–112. {in Persian}
- Kuchesh, Z. (2014). *A practical introduction to metaphor* (E. Shirinpour, Trans.). Tehran: SAMT. {in Persian}
- Lakoff, G., & Johnson, M. (2015). *Metaphors we live by* (H. Agha Ebrahimi, Trans.). Tehran: Nashr Elm. {in Persian}
- Naseri, M., Haji-Khani, A., & Mohammadhoseinpour, R. (2017). *Thematic dictionary of Quranic proverbs and their equivalents in Persian and English*. Tehran: Sabz Rayane Gostar. {in Persian}
- Noormohammadi, M. (2008). *Conceptual analysis of metaphors in Nahj al-Balagha: A cognitive linguistic approach* (Master's thesis). Faculty of Literature and Humanities, Tarbiat Modares University. {in Persian}
- Qaemnia, A. (2021). *Cognitive semantics of the Quran*. Tehran: Institute for Culture and Islamic Thought. {in Persian}
- Rasekh Mohand, M. (2010). *An introduction to cognitive linguistics (theories and concepts)*. Tehran: SAMT. {in Persian}
- Safavi, K. (2004). *Lectures on linguistics*. Tehran: Hermes. {in Persian}
- Sajoudi, F. (2006). Semiology of time and the passage of time: A comparative study of verbal and visual works. *Art Academy Research Journal*, 1, 46–64. {in Persian}
- The Holy Quran. (n.d.).
- Vaisi, A., & Daris, F. (2015). Application of image schemas in Vahshi Bafqi's quatrains from the perspective of semantics. *Literary Aesthetics Quarterly*, 12(23), 1–17. {in Persian}
- Yousefirad, F. (2003). *A study of time metaphors in Persian: A cognitive semantics approach* (Master's thesis). Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University. {in Persian}